Archive of SID

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران
دورهٔ ۲۱، شمارهٔ ۴
زمستان ۱۳۹۳
ص. ۴۴۸- ۴۳۱

بررسی چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی

محسن رشیدی باغی[۱]

چکیده: مشکلات نمایندگی در نتیجهٔ تضاد منافع میان مدیران و سهامداران ایجاد می‌شود. در این میان، حسابرسی راهکاری کارآمد برای محدودکردن اختیارات مدیران در روابط قراردادی محسوب می‌شود. هدف این نوشتار، بررسی چسبندگی و تغییرات کوتاه‌مدت و بلندمدت حق‌الزحمهٔ حسابرسی است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دورهٔ زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ استخراج شد. آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌کمک مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی از یک روند مشخص تبعیت نمی‌کند. به بیانی، در دوره‌های چندساله تغییر می‌کند و در دوره‌های کوتاه‌مدت (معمولاً یک‌ساله) تغییرات مشهودی در حق‌الزحمه صورت نمی‌گیرد. همچنین، نتایج حاکی از این است که مؤسسه‌های حسابرسی در سال‌های اولیه، حق‌الزحمهٔ درخواستی خود را تغییر نمی‌دهند، ولی در سال‌های بعدی با توجه به شناختی که از صاحبکار به‌دست می‌آورند، اقدام به تعدیل حق‌الزحمه می‌کنند. در نهایت، نتایج نشان‌دهندهٔ این است که تغییر حسابرس، سبب نزدیک‌تر شدن حق‌الزحمه‌های حسابرسی به مدل استاندارد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: چسبندگی حق‌الزحمه، حق‌الزحمهٔ حسابرسی، رفتار قیمت‌ها.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۸
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۹
نویسندهٔ مسئول مقاله: محسن رشیدی باغی
E-mail: Mohsen.rb67@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

قیمت‌گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسی موضوع مهمی برای قانون‌گذاران، محققان و سرمایه‌گذاران به‌شمار می‌آید (سنایت، ۱۹۷۷). های و نیکل (۲۰۱۰) مشاهده کردند که ماهیت حسابرسی به‌منزلهٔ کالایی اعتباری، به تحمیل هزینه و زمان بیشتر یا کمتر از حد در حسابرسی منجر می‌شود. با وجود ادبیات مستحکم در زمینهٔ حق‌الزحمهٔ حسابرسی، بحث و بررسی کاملی دربارهٔ جزئیات آن، از جمله صرف ناشی از حق‌الزحمه به‌منزلهٔ معیاری از کیفیت حسابرسی، محدودیت‌های حق‌الزحمه و سایر جنبه‌ها، انجام نگرفته است. شناسایی کاملی از رفتار هزینهٔ حق‌الزحمهٔ حسابرسی در طول زمان به‌دست نیامده، در حالیکه بررسی رفتار حق‌الزحمهٔ حسابرسی در بلندمدت، بیانگر شناخت ما از بازار حسابرسی است. مطالعات صورت‌گرفته در زمینهٔ چسبندگی و تغییرات افزایشی و کاهشی در حق‌الزحمهٔ حسابرسی بسیار محدود است. از جمله این مطالعات می‌توان به واعظ، رمضان احمدی و رشیدی باغی (۲۰۱۳) و نیکبخت و تنانی (۲۰۰۹) اشاره کرد. در پژوهش‌های خارجی نیز منون و ویلیام (۲۰۰۱) به مطالعه و بررسی روندهای بلندمدت در حق‌الزحمهٔ حسابرسی و ارتباط آن با تغییرات محیطی، از جمله استانداردهای حسابرسی پرداختند. در همین راستا، کاشولی و همکارانش به این نتیجه رسیدند که حق‌الزحمهٔ حسابرسی نسبت به تغییر محرک‌های حسابرسی، واکنش نشان می‌دهد (کاشولی، مارتین، های و نیکل، ۲۰۱۰).

رفتار قیمت و چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی از جنبه‌ای دیگر نیز اهمیت دارد. دوگار و همکارانش اثر زمانی تغییرات در استانداردهای حسابرسی را طبق مدل حق‌الزحمهٔ سال‌های قبل، از طریق مقایسهٔ حق‌الزحمهٔ واقعی با حق‌الزحمهٔ پیش‌بینی‌شده بررسی کردند (دوگار، سیواداسان و سالومون، ۲۰۱۰). اترج، لی و آمیق (۲۰۱۱) با استفاده از مدل استاندارد، فشار ناشی از حق‌الزحمه را از طریق مقایسهٔ حق‌الزحمهٔ استاندارد با حق‌الزحمهٔ پیش‌بینی‌شدهٔ شرکت‌های شاخص، بررسی کردند. خدادادی و حاجی‌زاده (۲۰۱۱) نیز به بررسی حق‌الزحمهٔ حسابرسی با استفاده از جریان‌های نقد آزاد پرداختند. در مطالعات ذکر شده، به بررسی رفتار حق‌الزحمه در کوتاه‌مدت ـ که انتظار تغییر وجود دارد ـ پرداخته شده و به چسبندگی حق‌الزحمه و تغییرات آن توجهی نشده است.

هدف پژوهش پیش رو، بررسی چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی است. در این بخش، برای بررسی تغییرات حق‌الزحمهٔ حسابرسی از مدل چسبندگی هزینهٔ اندرسون، بانکر و جاناکرامان (۲۰۰۳) استفاده می‌شود. بررسی موضوع مطالعه مبتنی بر ادبیات اقتصادی و حسابداری مدیریت است که تغییرات رفتاری حق‌الزحمهٔ حسابرسی را می‌آزماید و می‌تواند برای حسابرسان، مدیران، کمیتهٔ حسابرسی و قانون‌گذاران کاربرد داشته باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

در ادامهٔ پژوهش مبانی نظری و پیشینهٔ مطالعات انجام‌گرفته و فرضیه‌ها مرور می‌شود و سپس به مدل‌ها، روش‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ نظری

هنگامی که فروشندگان شناخت کاملی از وضعیت بازار ندارند، نظریهٔ اقتصادی تغییر قیمت‌ها را پیش‌بینی می‌کند. تغییر قیمت‌ها در اقتصاد کلان اهمیت دارد؛ زیرا دلایل زمان‌بر بودن اثرهای تغییر در سیاست‌های پولی را توضیح می‌دهد (بال و مانکیو، ۱۹۹۴). هنگامی که شناخت کاملی از وضعیت بازار وجود نداشته باشد، فروشندگان تمایلی به کاهش قیمت از طریق اصلاحات متعدد ندارند (زباراکی و همکاران، ۲۰۰۴). در همین راستا، بیهادوری و فالکینگر (۱۹۹۰) نشان دادند که فروشندگانی که اطلاعات کافی از بازار ندارند، مبنای قیمت‌گذاری خود را بهای تمام‌شده قرار می‌دهند و آن را به‌صورت تدریجی و به‌ندرت اصلاح می‌کنند. حسابرسان نیز شناخت کافی از واکنش صاحبکاران به تغییرات در حق‌الزحمهٔ حسابرسی ندارند. بنابراین آنها نیز مبنای خود را بهای تمام‌شده قرار می‌دهند و به‌تدریج آن را اصلاح می‌کنند. بنابراین، چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی را می‌توان از این طریق پیش‌بینی کرد. قاش و لاست‌گارتن (۲۰۰۶) با بررسی مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی، نشان دادند که قدرت توضیح‌دهندگی مدل استاندارد در حالت سالانه کمتر از حالت بلندمدت (برای دوره‌های چندساله) است. این نتایج بیانگر این است که حق‌الزحمه‌های حسابرسی به‌سرعت و متناسب با پیش‌بینی مدل استاندارد تغییر نمی‌کنند.

در ادبیات اقتصادی، هنگامی که مشاهدهٔ کیفیت امکان‌پذیر نباشد، قیمت را معیاری برای کیفیت در نظر می‌گیرند (شاپیرو، ۱۹۸۳). حق‌الزحمهٔ حسابرسی نیز معیاری از کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (کراسول، فرانسیس و تیلور، ۱۹۹۵). به نظر منطقی می‌رسد مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی حق‌الزحمهٔ بیشتری درخواست کنند و کیفیت حسابرسی آنها نیز بالاتر باشد. مطالعات داخلی نیز بیانگر افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی متناسب با افزایش اندازهٔ مؤسسهٔ حسابرسی است (واعظ و همکاران، ۲۰۱۳). چنانچه صاحبکاران، افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی را افزایش کیفیت حسابرسی در نظر بگیرند، ممکن است برای افزایش حق‌الزحمه مقاومت کمتری نسبت به آنچه انتظار می‌رود، نشان دهند و هنگامی که کاهش در حق‌الزحمه مناسب باشد، تقاضای صاحبکاران برای کاهش حق‌الزحمه، کمتر از حد انتظار خواهد بود (فرگوسن، لینوکس و تیلور، ۲۰۰۵). تغییر در قوانین نیز می‌تواند عاملی برای افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی مد نظر قرار گیرد. برای نمونه می‌توان به قانون ساربینز آکسلی اشاره کرد، همچنین در وضعیت داخلی،

www.SID.ir

Archive of SID

گزارش کنترل‌های داخلی را نام برد که موضوعیت کمتری نسبت به قانون ساربینز آکسلی دارد. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) تفاوت بین تغییرات افزایشی و کاهشی در هزینه‌ها را با سه دلیل بیان کردند؛ هزینه‌های اصلاحات، نمایندگی و هزینه‌های عمدهٔ سرمایه‌گذاری.

حق‌الزحمهٔ حسابرسی به‌صورت قرارداد بین حسابرس و صاحبکار پیش از آغاز کار حسابرسی تعیین می‌شود. با وجود این، معمولاً بندهای «فرار» داخل قرارداد گنجانده می‌شود که به حسابرس اجازهٔ انجام کارهای اضافی و دریافت هزینهٔ اضافه‌کاری‌ها را در وضعیت غیرقابل مشاهده، از جمله وجود مشکل تداوم فعالیت یا عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی، می‌دهد قراردادهای حسابرسی معمولاً مختص به رویدادهای غیرمترقبه‌ای که منجر به کاهش حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شوند، نیست (پالمروس، ۱۹۸۹). توافق‌های قراردادی و سایر موارد، منجر به‌افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شود. مباحث مطرح‌شده در بالا، از جمله هزینه‌های قراردادها و سایر هزینه‌ها، اغلب سبب افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شود و کمتر شاهد کاهشِ مبلغ حق‌الزحمه هستیم. بنابراین، در پژوهش پیش رو فرض می‌شود که افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی در مقایسه با کاهش حق‌الزحمه، سرعت بیشتری دارد.

بازارهای رقابتی، قیمت‌گذاری را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کنند. برای نمونه، فروشنده نمی‌تواند قیمت بیشتری را از خریدار دریافت کند. ناسازگاری‌های بازار (اطلاعات ناقص) به چسبندگی منجر می‌شود (قیمت‌ها به سرعت تغییر نمی‌کنند)، اما رقابت، فروشنده‌ها را به کاهش قیمت‌ها در طول زمان وادار می‌کند (دی. ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴). مارتین (۱۹۹۳) نشان داد هنگامی که تعداد فروشنده‌ها زیاد است و بین آنها تبانی وجود ندارد، تغییر قیمت‌ها پایین است. به بیانی دیگر، قیمت‌ها در شرایط رقابتی چسبندگی پایینی دارند.

از دیدگاه حسابرسان، چنانچه حسابرسان زمان انجام کار را بیش از اندازه برآورد کنند، حق‌الزحمه‌های حسابرسی در دورهٔ جاری بالاتر است، اما در دوره‌های بعدی اصلاح می‌شود. بنابراین، چسبندگی در دوره‌های بعدی، معکوس می‌شود. در بازار رقابتی حسابرسی، حسابرسان فرصت‌طلب مجبورند رفتار فرصت‌طلبانهٔ خود را به‌منظور حفظ کار حسابرسی (ازدست‌ندادن صاحبکار) تغییر دهند. از سویی، چنانچه حسابرسان حق‌الزحمهٔ حسابرسی را تعدیل نکنند و صاحبکاران نیز تصمیم به تغییر حسابرسان به‌منظور کاهش حق‌الزحمه داشته باشند، شاهد معکوس‌شدن چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی در دوره‌های بعدی خواهیم بود (دی. ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴).

اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که دوره‌های بلندمدت (بیشتر از یک سال) چرخه‌های اصلاحات را کامل می‌کنند، به این معنا که چسبندگی در دوره‌های بلندمدت کاهش می‌یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

انتظار بر این است که صاحبکاران در بلندمدت، کاهش حق‌الزحمه را مدیریت کنند. در این پژوهش نیز به بررسی تعدیل حق‌الزحمهٔ حسابرسی در بلندمدت نسبت به سال‌های اولیه پرداخته شده است.

بخشی از چسبندگی ناشی از اطلاعات ناقص است. در این حالت فروشنده از واکنش خریدار در برابر تغییر قیمت شناخت کافی ندارد. برای نمونه، شناختی از علت تغییر فروشنده توسط خریدار ندارد. هنگامی که خریدار فروشندهٔ جدیدی انتخاب می‌کند، عدم قطعیت کاهش می‌یابد؛ زیرا مشخص می‌شود که خریدار قصد تغییر فروشنده را دارد. بنابراین یکی از عوامل شکاف در بازار که عامل چسبندگی قیمت است، حذف می‌شود و انتظار می‌رود که قیمت‌ها به سطح انتظار نزدیک‌تر شوند (دی. ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴). جانستون، بدارد و اترج (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که در وضعیت رقابتی، ارتباط معنادارتری بین محرک‌های هزینه و تلاش برنامه‌ریزی‌شده وجود دارد، همچنین در وضعیت رقابتی، با افزایش تلاش برنامه‌ریزی‌شده، حق‌الزحمهٔ حسابرسی کاهش می‌یابد. بنابراین، انتظار می‌رود که حق‌الزحمه‌های حسابرسی به هنگام تعویض حسابرس به واقعیت (سطوح پیش‌بینی‌شده توسط مدل حق‌الزحمهٔ حسابرسی) نزدیک‌تر شوند.

دو جنبهٔ خاص از بازار رقابتی ممکن است انتظارات عمومی را با محدودیت مواجه کند؛ جنبهٔ اول بیانگر این واقعیت است که حسابرسی صاحبکاران جدید، به تلاش بیشتری برای کسب دانش کافی نسبت به همهٔ ریسک‌های حسابرسی نیازمند است (واعظ و همکاران، ۲۰۱۳). جنبهٔ دیگر، احتمال پیشنهاد قیمت پایین‌ترِ مؤسسه‌های حسابرسی به‌منظور جذب صاحبکاران است تا در آینده بتوانند حق‌الزحمهٔ حسابرسی را افزایش دهند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). این دو جنبه می‌تواند بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی تأثیرگذار باشد.

بن‌علی و لسیج (۲۰۱۲) معتقدند که در نهایت حسابرس ریسکی را برآورد می‌کند که از تمرکز و شدت وجود مسئلهٔ نمایندگی و سایر عوامل نشئت می‌گیرد و با توجه به آن، پس از برنامه‌ریزی کار حسابرسی، حق‌الزحمهٔ خود را تعیین می‌کند (خدادادی، قربانی و خوانساری، ۲۰۱۲). نسبت بدهی از طریق میزان تأمین مالی خارج از حوزهٔ مالکیت، رابطهٔ نمایندگی و پیچیدگی عملیات واحد رسیدگی‌شده را نشان می‌دهد. افزایش نسبت بدهی، به‌دلیل تأکید بر رابطهٔ نمایندگی میان مدیریت و اعتباردهندگان، احتمالاً تقاضا برای خدمات حسابرسی و متعاقب آن، حق‌الزحمهٔ خدمات را افزایش می‌دهد (رجبی و خشویی، ۲۰۰۸). در این پژوهش نیز به پیروی از مطالعات پیشینی چون سیمونیک (۱۹۸۰)، متغیرهای تأثیرگذار بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی تعیین و بررسی شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

پیشینهٔ تجربی

واعظ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمهٔ حسابرسی در شرکت‌های بورسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، ارتباط بین معیارهای کیفیت حسابرسی (اندازه، تخصص و تداوم انتخاب مؤسسهٔ حسابرسی) با حق‌الزحمهٔ حسابرسی معنادار است. همچنین آنها در پژوهش خود نشان دادند با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، حق‌الزحمهٔ حسابرسی نیز افزایش می‌یابد.

سجادی و زارعی (۲۰۰۶) تأثیر ویژگی‌های مؤسسهٔ حسابرسی و صاحبکار را بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد تخصص صنعتی مؤسسهٔ حسابرسی بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی تأثیر دارد؛ زیرا حسابرسان متخصص، عملیات حسابرسی را در زمان کمتر و با اطمینان بیشتری انجام می‌دهند. بنابراین کیفیت حسابرسی این دسته از مؤسسه‌ها بیشتر از مؤسسه‌های دیگر حسابرسی است.

کاسترلا، فرانسیس، لویس و والکر (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند، هنگامی که صاحبکاران کوچک‌اند و قدرت چانه‌زنی کمتری دارند، حق‌الزحمه‌های حسابرسی زیاد است، اما هنگامی که صاحبکاران توانایی چانه‌زنی بیشتری دارند، این حق‌الزحمه کمتر است و این احتمالاً هنگامی است که صاحبکاران بزرگ‌اند و در حوزهٔ تخصص حسابرس فعالیت می‌کنند.

علوی، رباطی و یوسفی اصل (۲۰۱۲)، ارتباط بین جریان نقد آزاد و حق‌الزحمهٔ حسابرسی را با توجه به فرصت‌های رشد، میزان سود تقسیمی و اهرم مالی، بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد، حق‌الزحمهٔ حسابرسی شرکت‌هایی که جریان نقد آزاد و فرصت‌های رشد آنها زیاد است، بیشتر از شرکت‌هایی است که جریان نقد آزاد آنها پایین اما فرصت‌های رشد زیادی دارند. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد، در شرکت‌هایی که جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد زیاد است، با افزایش میزان بدهی‌ها، میانگین حق‌الزحمهٔ حسابرسی افزایش می‌یابد.

آستانا و بونی (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند، تغییر حسابرس موجب کاهش حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شود. مؤسسه‌های حسابرسی برای پذیرش کار جدید، حق‌الزحمهٔ حسابرسی را کاهش می‌دهند تا بتوانند کار جدید را به‌دست آورند، همچنین کاهش حق‌الزحمه می‌تواند به‌دلیل ساختار بازار حق‌الزحمهٔ حسابرسی باشد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینهٔ مطالعات انجام‌گرفته و با توجه به هدف این پژوهش که بررسی چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی است، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

فرضیهٔ اول: حق‌الزحمه‌های حسابرسی در کوتاه‌مدت و متناسب با مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی، تعدیل نمی‌شوند.

www.SID.ir

Archive of SID

فرضیهٔ دوم: در بلندمدت، تمایل به افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی بیشتر از کاهش حق‌الزحمهٔ حسابرسی است.

فرضیهٔ سوم: انحراف حق‌الزحمه از مدل استاندارد حق‌الزحمه، در دوره‌های بلندمدت کاهش می‌یابد.

فرضیهٔ چهارم: در بلندمدت، تفاوت بین نوسان‌های افزایشی و کاهشی حق‌الزحمهٔ حسابرسی، تعدیل می‌شود.

فرضیهٔ پنجم: به هنگام تغییر حسابرس، حق‌الزحمه‌های حسابرسی به مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی، نزدیک‌تر می‌شوند.

روش‌شناسی پژوهش

جامعهٔ آماری و نحوهٔ انتخاب شرکت‌ها

جامعهٔ آماری این پژوهش، کلیهٔ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ است. برای انتخاب نمونه، از بین تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که شرایط زیر را داشتند، برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. به‌منظور همگن‌شدن نمونهٔ آماری در سال‌های بررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. به‌لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دورهٔ مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۳. نمونهٔ آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود؛ زیرا ماهیت دارایی شرکت‌های مذکور متفاوت است.
۴. شرکت‌ها طی دورهٔ زمانی این پژوهش، تغییر فعالیت یا تغییر دورهٔ مالی نداده باشند.
۵. داده‌های مد نظر شرکت‌ها در دسترس باشد.

در نهایت ۷۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای این پژوهش انتخاب شدند.

مدل و متغیرهای پژوهش

مدل‌های پژوهش

این پژوهش به‌دنبال بررسی چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی است. بدین منظور از مدل‌های معرفی‌شدهٔ زیر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش بهره‌جویی شده است. همچنین برای برآورد حق‌الزحمهٔ مد نظر هر شرکت، از مدل حق‌الزحمه استاندارد استفاده شده است. به‌کارگیری این مدل، امکان برآورد دقیق هزینهٔ حق‌الزحمهٔ حسابرسی را نسبت به مدل چسبندگی هزینه فراهم

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کند. سپس تغییرات حق‌الزحمهٔ واقعی با تغییرات پیش‌بینی‌شدهٔ مدل، به‌صورت کلی و نیز تفکیکی مقایسه می‌شود. حق‌الزحمهٔ حسابرسی تابعی از متغیرهای زیر است (هویتاش، آریل و چارلز، ۲۰۰۷؛ دی. ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴):

مدل ۱)
$$LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 LTA_{it} + \beta_2 CATA_{it} + \beta_3 QUICK_{it} + \beta_4 DE_{it} + \beta_5 RPI_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon$$

مدل ۲)
$$\log\left(\frac{AF_t}{AF_{t-1}}\right) = \beta_0 + \beta_1 \, Log\left(\frac{EAF_t}{EAF_{t-1}}\right) + £$$

برای بررسی فرضیهٔ اول با استفاده از مدل ۲، پیش‌بینی می‌شود مقدار β_1 کمتر از یک باشد که نشان می‌دهد حق‌الزحمه‌های حسابرسی به‌صورت کامل و متناسب با مدل استاندارد حق‌الزحمه، اصلاح می‌شوند. به بیانی، واکنش حق‌الزحمهٔ حسابرسی متناسب با تغییرات صورت‌گرفته و تابعی از عوامل مطرح شده در مدل استاندارد (مدل ۱) است.

مدل ۳)
$$Log\left(\frac{AF_t}{AF_{t-1}}\right) = \beta_0 + \beta_1 \, Log\left(\frac{EAF_t}{EAF_{t-1}}\right) + \beta_2 \, Decrease \times Log\left(\frac{EAF_t}{EAF_{t-1}}\right) + £$$

برای بررسی فرضیهٔ دوم با استفاده از مدل ۳، پیش‌بینی می‌شود ارتباط β_2 با متغیر وابسته معنادار باشد و این تمایل بیشتر به‌افزایش حق‌الزحمه را نشان می‌دهد. به بیانی فرض می‌شود با توجه به مبانی نظری، حق‌الزحمهٔ حسابرسی معمولاً روند افزایشی داشته باشد، نه کاهشی. همچنین برای بررسی فرضیهٔ چهارم با استفاده از مدل ۳، پیش‌بینی می‌شود ضریب β_2 در سال‌های دوم، سوم و... کوچکتر شود که نشان می‌دهد چسبندگی حق‌الزحمه در طول زمان کاهش می‌یابد. برای بررسی فرضیهٔ پنجم نیز با استفاده از مدل ۳ پیش‌بینی می‌شود اصلاح حق‌الزحمه برای شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، کمتر باشد.

برای بررسی کاهش تفاوت بین تغییرات مثبت و منفی از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

مدل ۴)
$$\mathrm{Log}\left(\frac{\mathrm{AF_t}}{\mathrm{AF_{t-1}}}\right) = \beta_0 + \beta_1 \mathrm{Log}\left(\frac{\mathrm{EAF_t}}{\mathrm{EAF_{t-1}}}\right) + \beta_2 \,\mathrm{Decrease} \times \mathrm{Log}\left(\frac{\mathrm{EAF_t}}{\mathrm{EAF_{t-1}}}\right) + \beta_3 \,\mathrm{Log}\left(\frac{\mathrm{AF_{t-1}}}{\mathrm{AF_{t-2}}}\right) + \beta_4 \,\mathrm{Decrease} \times \mathrm{Log}\left(\frac{\mathrm{EAF_{t-1}}}{\mathrm{EAF_{t-2}}}\right) + £$$

برای بررسی فرضیهٔ سوم با استفاده از مدل ۴ پیش‌بینی می‌شود β_4 مثبت و معنادار باشد که نشان‌دهندهٔ کاهش چسبندگی حق‌الزحمه است.

در مدل‌های مذکور:

AF: حق‌الزحمه حسابرسی؛

EAF: حق‌الزحمهٔ حسابرسی برآوردی؛

TA: مجموع دارایی‌ها؛

$CATA$: نسبت دارایی‌های جاری؛

$QUICK$: نسبت دارایی جاری به بدهی جاری؛

DE: نسبت بدهی بلندمدت به مجموع دارایی‌ها؛

ROI: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها؛

$LOSS$: زیان شرکت.

متغیرهای این پژوهش شامل دو دسته متغیرهای وابسته و مستقل به شرح زیر هستند:

متغیر وابسته

حق‌الزحمهٔ حسابرسی (LAF): در این پژوهش متغیر وابسته حق‌الزحمهٔ حسابرسی است که برای محاسبهٔ آن از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمهٔ حسابرسی استفاده شده است (هویتاش و همکاران، ۲۰۰۷). اطلاعات مربوط به حق‌الزحمهٔ حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بخش هزینه‌های اداری و عمومی و معین سایر هزینه‌ها استخراج شده است.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش به شرح زیر معرفی می‌شوند:

حق‌الزحمهٔ برآورد شده (EAF_t/EAF_{t-1}): عبارتست از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمهٔ برآوردی سال جاری به حق‌الزحمهٔ برآوردی سال قبل. برای برآورد حق‌الزحمهٔ حسابرسی از مدل ۱ پژوهش استفاده شده است (دی. ویلرس و همکاران، ۲۰۱۴).

www.SID.ir

Archive of SID

متغیر موهومی (*Decrease*): اگر حق‌الزحمهٔ برآوردی منفی باشد، متغیر موهومی یک در نظر گرفته می‌شود، در غیر این صورت صفر است.

اندازهٔ شرکت (*LTA*): برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است.

نسبت جاری (*CATA*): برابر با نسبت دارایی‌های جاری به مجموع دارایی‌ها است.

نسبت آنی (*QUICK*): برابر با نسبت دارایی‌های جاری (به‌استثنای موجودی کالا) به بدهی‌های جاری شرکت است.

بدهی بلندمدت (*DE*): برابر با نسبت بدهی بلندمدت به مجموع دارایی‌ها است.

بازده دارایی‌ها (*ROA*): برابر با نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها است.

زیان (*LOSS*): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری، سال قبل یا در دو سال قبل، زیان داشته باشد عدد یک می‌گیرد و در غیر این صورت صفر است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای ارائهٔ نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه‌شده، در جدول ۱ برخی از آماره‌های توصیفی این متغیرها (میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات) درج شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
حق‌الزحمهٔ حسابرسی	۱۹/۵۷۰۹	۱۹/۴۴۳۱	۰/۶۸۶۷	۲۱/۸۲۰۵	۱۶/۸۱۱۲
اندازهٔ شرکت	۱۲/۴۳۰۴	۱۲/۳۰۰۰	۱/۳۹۸۱	۱۶/۸۰۰۰	۹/۳۰۰۰
نسبت جاری	۰/۶۴۹۰	۰/۷۰۰۰	۰/۲۱۳۸	۰/۹۷۰۰	۰/۰۷۰۰
نسبت آنی	۱/۲۳۹۶	۱/۲۱۵۰	۰/۵۴۱۸	۵/۰۵۰۰	۰/۲۲۰۰
بدهی بلندمدت	۰/۰۹۱۱	۰/۰۵۰۰	۰/۱۱۰۸	۰/۷۹۰۰	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۷۴۷	۰/۱۵۷۰	۰/۱۲۶۴	۰/۶۷۲۱	−۰/۱۸۰۸

میانگین حق‌الزحمهٔ حسابرسی برابر با ۱۹/۵۷ است. ارزش میانگین اندازهٔ شرکت ۱۲/۴۳ و نسبت جاری ۰/۶۴۹۰ به‌دست آمده است. به بیان دیگر بخش عمده‌ای از دارایی شرکت‌ها، جاری است که به تلاش و رسیدگی بیشتر حسابرسی و نیز حق‌الزحمهٔ بیشتری نیازمند است. میانگین بدهی‌های بلندمدت و بازده دارایی‌ها به‌ترتیب برابر با ۰/۰۹۱۱ و ۰/۱۷۴۷ است. ارزش میانگین نسبت آنی ۱/۲۳۹۶ محاسبه شده است که بیانگر توان بالای شرکت‌ها در بازپرداخت بدهی‌های

www.SID.ir

Archive of SID

جاری است. با مقایسهٔ میانگین و میانهٔ متغیرها می‌توان گفت که ارزش همهٔ میانگین‌ها به‌استثنای نسبت جاری، بزرگتر از میانه‌ها است که انحراف منطقی در توزیع هر متغیر را نشان می‌دهد (ژو، ونگ و هان، ۲۰۱۳). واوس (۲۰۰۲) بیان می‌کند هنگامی که تعداد مشاهدات بزرگتر از ۱۰۰ باشد (معیاری تقریبی برای توزیع نرمال) احتمال نرمال‌بودن داده‌ها افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیه‌ها

قبل از برازش مدل‌ها، به‌منظور تعیین استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی، باید آزمون F لیمر روی مدل‌های پژوهش اجرا شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته‌شده
مدل ۲	۷/۸۸۵۸	۰/۰۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۳	۷/۸۷۰۶	۰/۰۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۴	۷/۸۳۱۸	۰/۰۰۰۰	مدل اثرهای ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیهٔ H. برای مدل‌های پژوهش، باید برای انتخاب مدل داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرهای تصادفی، آزمون هاسمن نیز اجرا شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته‌شده
مدل ۲	۳/۲۱۷۰	۰/۰۷۲۹	مدل اثرهای تصادفی
مدل ۳	۳/۴۵۳۴	۰/۰۰۷۹	مدل اثرهای ثابت
مدل ۴	۴/۴۶۹۱	۰/۰۰۳۴	مدل اثرهای ثابت

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، فرضیهٔ H. برای مدل‌های ۳ و ۴ رد شده است، در نتیجه مدل داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت مدل برتر شناخته می‌شود. بنابراین، برای تخمین مدل‌های پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت استفاده شده است.

در پژوهش حاضر برای تشخیص خودهمبستگی مدل از آزمون دوربین ـ واتسون استفاده شده است. اگر مقدار آمارهٔ دوربین ـ واتسون نزدیک به عدد ۲ باشد، استقلال جملهٔ خطای مدل

www.SID.ir

Archive of SID

را می‌توان پذیرفت. علاوه‌براین، برای بررسی معناداری کل مدل نیز آزمون فیشر اجرا شده است. جدول ۴ نتایج برآورد مدل‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول٤. نتایج برآورد مدل‌های پژوهش

متغیر	مدل ۲		مدل ۳		مدل ٤	
	ضریب	آمارهٔ t	ضریب	آمارهٔ t	ضریب	آمارهٔ t
عرض از مبدأ	-۰/۰۰۴۹	-۰/۰۸۴۹	-۰/۰۱۴۷	-۰/۵۳۸۶	-۰/۰۵۲۱	-۲/۲۳۱۲
$Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	۰/۰۱۱۲	۰/۱۹۱۵	۰/۰۳۹۳	۰/۴۰۳۱	۰/۰۱۰۲	۰/۱۳۲۹
$Decrease - Dummy \times Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	-	-	-۰/۰۸۶۰	-۰/۵۷۰۴	-۰/۱۷۶۲	-۱/۴۵۳۳
$Log\ (EAF_{t-1}/\ EAF_{t-2})$	-	-	-	-	۰/۱۰۸۶	۱/۳۵۱۱
$Decrease - Dummy_{t-1} \times Log\ (EAF_{t-1}/\ EAF_{t-2})$	-	-	-	-	-۰/۲۴۴۸	-۲/۰۲۰۱
ضریب تعیین	۰/۲۲۰۱		۰/۶۶۲۸		۰/۵۵۱۳	
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۱۲۲۸		۰/۵۷۶۷		۰/۴۱۶۷	
آمارهٔ دوربین ـ واتسون	۱/۵۵۱۸		۱/۹۲۱۰		۱/۹۴۳۶	
آمارهٔ F	۳/۰۳۶۴		۷/۶۹۳۷		۲۲/۲۸۱۰	
احتمال آمارهٔ F	۰/۰۰۸		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	

بر اساس مدل ۲، فرضیهٔ اول پژوهش مبنی بر اینکه حق‌الزحمه‌های حسابرسی به‌سرعت و متناسب با سطوح ارائه‌شده توسط مدل حق‌الزحمهٔ حسابرسی، اصلاح نمی‌شوند، تأیید شده است. با توجه به فرضیهٔ اول، پیش‌بینی می‌شد β_1 کمتر از یک باشد. نتایج رابطهٔ ۲ در جدول ۴ نشان می‌دهد حق‌الزحمه‌های حسابرسی از طریق اصلاحات پیش‌بینی‌شده به مقدار کمتر از ۱۰۰ درصد (۱/۱۲ درصد) اصلاح می‌شوند.

همچنین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد فرضیهٔ دوم پژوهش مبنی بر اینکه کاهشِ حق‌الزحمهٔ حسابرسی، کمتر از افزایشِ حق‌الزحمهٔ حسابرسی است، تأیید نمی‌شود. پیش‌بینی می‌شد که β_2 معنادار باشد. به بیان دیگر، انتظار می‌رفت اصلاحات کاهشی کمتر از اصلاحات افزایشی باشد، اما بر اساس جدول ۴ آمارهٔ t برابر با ۰/۵۷۰۴- محاسبه شده است که نشان می‌دهد فرضیهٔ دوم تأیید نمی‌شود. نتایج بررسی سالانهٔ فرضیهٔ سوم پژوهش، در جدول ۵ نشان داده شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۵. نتایج برآورد مدل سوم پژوهش

متغیر	سال ۲		سال ۳		سال ٤	
	ضریب	آمارهٔ t	ضریب	آمارهٔ t	ضریب	آمارهٔ t
عرض از مبدأ	۰/۰۱۲۶	۰/۱۸۵۴	۰/۰۹۰۹	۸/۵۲۸۶	۰/۰۹۸۰	۸/۳۶۷۰
$Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	۰/۱۶۹۷	۰/۶۴۳۲	-	-	-	-
$Decrease - Dummy \times Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	−۰/۸۱۸۳	−۱/۹۳۸۷	-	-	-	-
$Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-2})$	-	-	۰/۱۰۷۸	۳/۲۰۵۸	-	-
$Decrease - Dummy \times Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-2})$	-	-	−۰/۳۱۱۳	−۳/۹۰۲۶	-	-
$Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-4})$	-	-	-	-	۰/۱۰۶۰	۲/۷۶۲۰
$Decrease - Dummy \times Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-4})$	-	-	-	-	−۰/۲۸۴۹	−۴/۰۷۱۲
ضریب تعیین	۰/۲۴۹۵		۰/۵۱۵۴		۰/۰۵۶۸	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۲۴۰		۰/۲۶۶۱		۰/۰۵۰۰	
آمارهٔ دوربین- واتسون	۲/۱۳۵۷		۲/۱۲۷۱		۲/۳۰۲۶	
آمارهٔ F	۳/۳۱۸۴		۷/۰۶۷۴		۸/۳۴۵۵	
احتمال آمارهٔ F	۰/۰۰۹		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	

فرضیهٔ سوم پژوهش مبنی بر اینکه طبق مدل استاندارد حق‌الزحمه، انحراف حق‌الزحمه از سطوح پیشنهادی در دوره‌های بلندمدت کاهش می‌یابد، تأیید شده است. با استفاده از مدل ۳ پیش‌بینی می‌شد ضریب β_2 در سال‌های دوم، سوم و چهارم کوچکتر شود به این معنا که تفاوت‌های مثبت و منفی، در طول زمان کاهش می‌یابد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب متغیر از ۰/۸۱۸۳− به ۰/۲۸۴۹− تغییر یافته است. به بیانی، شدت تفاوت‌ها کاهش داشته است. در فرضیهٔ چهارم (جدول ۴) با استفاده از مدل ۴ پیش‌بینی می‌شد β_4 مثبت و معنادار باشد و کاهش تفاوت‌های مثبت یا منفی را نشان دهد، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود β_4 با ضریب ۰/۲۴۴۸− و آمارهٔ t با مقدار ۲/۰۲−، منفی و معنادار است. به بیانی دیگر، تفاوت‌ها افزایش یافته است و فرضیهٔ چهارم تأیید نمی‌شود. همان‌طور که در فرضیهٔ قبل نیز بیان شد، تورم یکی از عوامل مؤثر افزایش تفاوت‌ها است. همچنین، بیشتر شرکت‌های مورد مطالعه در مرحلهٔ رشد قرار دارند (واعظ و همکاران، ۲۰۱۳) که به افزایش تفاوت‌ها منجر می‌شود. نتایج بررسی فرضیهٔ پنجم پژوهش به شرح جدول ۶ است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ٦. نتایج برآورد مدل سوم پژوهش

متغیر	عدم تغییر حسابرس (مدل ۳)		تغییر حسابرس	
	ضریب	آمارهٔ t	ضریب	آمارهٔ t
عرض از مبدأ	−۰/۰۱۴۷	−۰/۵۳۸۶	−۰/۰۶۲۲	−۱/۶۶۸۹
$Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	۰/۰۳۹۳	۰/۴۰۳۱	۰/۶۱۱۴	۳/۴۸۸۶
$Decrease - Dummy \times Log\ (EAF_t/\ EAF_{t-1})$	−۰/۰۸۶۰	−۰/۵۷۰۴	−۰/۹۷۶۸	−۳/۵۶۵۱
ضریب تعیین	۰/۶۶۲۸		۰/۳۰۴۸	
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۵۷۶۷		۰/۰۶۱۸	
آمارهٔ دوربین ـ واتسون	۱/۹۲۱۰		۲/۱۷۸۴	
آمارهٔ F	۷/۶۹۳۷		۳/۲۵۴۷	
احتمال آمارهٔ F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۸	

فرضیهٔ پنجم پژوهش بیان می‌کند به هنگام تغییر حسابرس، حق‌الزحمه‌های حسابرسی به سطوح ارائه‌شده توسط مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی نزدیک‌تر می‌شوند. با استفاده از مدل ۳ پیش‌بینی می‌شد آثار اصلاح حق‌الزحمه برای شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، کمتر باشد. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود $\beta_1 + \beta_2$ در شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند ۰/۰۴۶۷− به‌دست آمده است، این نسبت برای شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند برابر با ۰/۳۶۵۴− است. به بیان دیگر با بررسی قدر مطلق تغییرات صورت‌گرفته شاهد کاهش تفاوت بین حق‌الزحمهٔ حسابرسی و مدل استاندارد هستیم؛ زیرا قدر مطلق تفاوت‌ها به عدد یک نزدیک‌تر شده است. بنابراین، فرضیهٔ پنجم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

بر اساس نتایج برآورد مدل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش معنادار است؛ زیرا مقدار سطح خطای احتمال آمارهٔ F کمتر از ۵ درصد است. در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به مقدار آمارهٔ دوربین ـ واتسون مدل‌های فوق می‌توان گفت مدل‌های پژوهش مشکل خودهمبستگی ندارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، تغییرات و چسبندگی حق‌الزحمهٔ حسابرسی، مطالعه شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، حق‌الزحمه‌های حسابرسی در کوتاه‌مدت و متناسب با مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی، تعدیل نمی‌شوند. نتایج حاصل از این فرضیه مشابه یافته‌های قاش و لاست‌گارتن (۲۰۰۶) است. آنها به این نتیجه رسیدند که قدرت توضیح‌دهندگی مدل استاندارد

www.SID.ir

Archive of SID

حق‌الزحمهٔ حسابرسی، در حالت چندساله نسبت به سالانه بیشتر است. به بیان دیگر، حق‌الزحمهٔ حسابرسی در دوره‌های چندساله تغییر می‌کند و در دوره‌های کوتاه‌مدت (معمولاً یک‌ساله) تغییر مشهودی در حق‌الزحمه صورت نمی‌گیرد. مؤسسه‌های حسابرسی در دوره‌های چندسالهٔ حسابرسی، شناخت بهتری از عملیات صاحبکار کسب می‌کنند و حق‌الزحمهٔ حسابرسی را نیز متناسب با شناخت کسب‌شده اصلاح می‌کنند. فرضیهٔ دوم پژوهش حاکی از این است که چسبندگی حق‌الزحمه از روند مشخصی تبعیت نمی‌کند. یکی از دلایل رد شدن فرضیهٔ دوم را می‌توان وجود تورم در سال‌های اخیر ذکر کرد؛ به نحوی که هر ساله میزان حق‌الزحمهٔ حسابرسی با توجه به تغییرات قیمت، تعیین شده است (واعظ و همکاران، ۲۰۱۳) و نیز مؤسسه‌ها به‌منظور جذب صاحبکاران، تغییرات زیادی را در حق‌الزحمهٔ درخواستی لحاظ نمی‌کنند. بنابراین، تناسبی بین میزان افزایش و کاهش حق‌الزحمهٔ حسابرسی وجود ندارد. به بیان دیگر، اصلاحات افزایشی مربوط به حق‌الزحمهٔ حسابرسی کمتر از حد انتظار است و نشان می‌دهد حسابرسان شناخت کافی نسبت به تغییرات ندارند. نتایج حاصل از این فرضیه منطبق بر یافته‌های فرگوسن و همکاران (۲۰۰۵) نیست، اما با یافته‌های واعظ و همکارانش (۲۰۱۳) هماهنگی دارد.

نتایج بررسی تغییرات حق‌الزحمهٔ حسابرسی، نشان می‌دهد تغییرات ایجاد شده در عوامل حق‌الزحمهٔ حسابرسی، به تغییرات سریع یا متقارنِ حق‌الزحمهٔ حسابرسی منجر نمی‌شود، به‌خصوص، تغییرات افزایشی بیشتر از تغییرات کاهشی است. تفاوت بین تغییرات افزایشی و کاهشی در طول زمان تعدیل می‌شود؛ به نحوی که در سال چهارم این تفاوت معنادار نیست. به بیان دیگر، مؤسسه‌های حسابرسی در سال‌های اولیه، حق‌الزحمهٔ درخواستی خود را تغییر نمی‌دهند، اما در سال‌های بعدی با توجه به شناختی که از صاحبکار به‌دست می‌آورند، به تعدیل حق‌الزحمه اقدام می‌کنند. کاهش این تفاوت‌ها بیانگر رقابتی‌بودن بازار خدمات حسابرسی است؛ زیرا بخشی از این تعدیلات ناشی از شناخت حق‌الزحمهٔ درخواستی مؤسسه‌های رقیب است. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های هال، والش و یاتیس (۲۰۰۰) و اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) تطابق دارد. در فرضیهٔ چهارم پیش‌بینی می‌شد تفاوت بین تغییرات افزایشی و کاهشی حق‌الزحمهٔ حسابرسی در سال‌های بعدی تعدیل شود. به بیان دیگر، تصور می‌شد در افزایش یا کاهشِ حق‌الزحمهٔ حسابرسی روند مشخصی وجود داشته باشد. همان‌طور که در فرضیهٔ پیش نیز بیان شد، تورم یکی از عوامل مؤثر در افزایش تفاوت‌ها است. همچنین بیشتر شرکت‌های بررسی‌شده در مرحلهٔ رشد قرار دارند (واعظ و همکاران، ۲۰۱۳) که منجر به افزایش تفاوت‌ها (و نه کاهش تفاوت‌ها) می‌شود. تورم و رشد موجب از بین رفتن روندهای مشخص افزایشی یا کاهشی در

www.SID.ir

Archive of SID

حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شوند. نتایج این فرضیه با یافته‌های اندرسون و همکارانش (۲۰۰۳) تطابق ندارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، هنگامی که صاحبکاران حسابرسان را تغییر می‌دهند، حق‌الزحمهٔ حسابرسی به سطح پیشنهادی طبق مدل استاندارد حق‌الزحمه نزدیک‌تر می‌شود. این نتایج با ادبیات چسبندگی هزینه، مبنی بر اینکه ثبات در حق‌الزحمهٔ حسابرسی برای چندین دوره تداوم داشته، اما در نهایت اصلاح می‌شود، هماهنگی دارد. یافته‌های فرانسیس و سیمون (۱۹۸۷) نشان داده است حسابرسان برای جلب مشتری جدید، در سال اول حق‌الزحمهٔ حسابرسی کمتری پیشنهاد می‌دهند. بنابراین تغییر حسابرس به نزدیک‌تر شدن حق‌الزحمه‌های حسابرسی به سطوح ارائه‌شدهٔ مدل استاندارد حق‌الزحمهٔ حسابرسی منجر می‌شود، اما حسابرسان معمولاً در سال‌های اولیهٔ رابطهٔ خود با صاحبکار، به‌دلیل ناآشنایی با شرکت و نوع فعالیت‌های شرکتی که باید رسیدگی کنند، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. در نتیجه، آنان تلاش می‌کنند این زیان را در سال‌های بعدی رابطهٔ خود با صاحبکار، جبران کنند که سبب فاصله‌گرفتن حق‌الزحمهٔ حسابرسی از مدل استاندارد حق‌الزحمه می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های دی‌آنجلو (۱۹۸۱) همخوانی دارد.

References

Alavi, H., Robati, M. & Yusefi-Asl, F. (2012). Agency Problems and Audit Fees Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19(2): 97-122. (*in Persian*)

Anderson, M. C., Banker, R. D. & Janakiraman, S. N. (2003). Are selling, general, and administrative costs "sticky"? *Journal of Accounting Research*, 41(1): 47-63.

Asthana, S. C. & Boone, J. P. (2012). Abnormal Audit Fee and Audit Quality. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 31 (3): 1-22.

Ball, L. & Mankiw, N. G. (1994). *A Sticky-Price Manifesto, National Bureau of Economic Research,* Working paper, No. 4677. DOI: 10.3386/w4677.

Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France. *China Journal of Accounting Research,* 6 (1): 21–34.

Bhaduri, A. & Falkinger, J. (1990). Optimal price adjustment under imperfect information. *European Economic Review*, 34 (9): 41-52.

Casterella, J., Francis, J., Lewis, B. & Walker, P. (2004). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory,* 23 (1): 123-140.

www.SID.ir

Archive of SID

Causholli, M., De Martinis, M., Hay, D. & Knechel, W. R. (2010). Audit Markets, Fees and Production: Towards an Integrated View of Empirical Audit Research. *Journal of Accounting Literature*, 29: 167-215.

Choi, J. H., Kim, C. F., Kim, J. B., Zang, Y. S. (2010). Audit office size, Audit quality and Audit pricing. *Auditing: A Journal of practice & theory*, 29 (1), 73-97.

Craswell A., Francis, J. & Taylor, S. (1995). Auditor brand name reputation and industry specialization. *Journal of Accounting and Economics*, 20 (3): 297-322.

De Angelo, L. E. (1981). Auditor independence, 'low balling,' and disclosure regulation. *Journal of Accounting and Economics*, 3(2): 113-127.

De Villiers, C., Hay, D., Zhang, Z. (2014). Audit fee stickiness, *Electronic copy,* available at: http://ssrn.com/abstract=1771045.

Doogar, R., Sivadasan, P. & Solomon, I. (2010). The regulation of public company auditing: Evidence from the transition to AS5. *Journal of Accounting Research*, 48(4): 795-814.

Ettredge, M., Li, C. & Emeigh, E. (2011). *Fee Pressure and Audit Quality*. Working paper on SSRN, http://ssrn.com/abstract=1903860.

European Commission. (2010). *Green paper: Audit policy: Lessons from the crisis.* Brussels: European Commission.

Ferguson, A., Lennox, C. & Taylor, S. (2005). *Audit Fee Rigidities in the Presence of Market Frictions: Evidence and Explanations*. Working paper, University of New South Wales.

Francis, J.R. & Simon, D.T. (1987). A test of audit pricing in the small-client segment of the U.S. audit market. *The Accounting Review,* 62 (1): 145-157.

Ghosh, A. & Lustgarten, S. (2006). Pricing of initial audit engagements by large and small audit firms. *Contemporary Accounting Research*, 23(2): 333-368.

Hall, S., Walsh, M. & Yates, A. (2000). Are UK companies' prices sticky? *Oxford Economic Papers*, 52(4): 25-46.

Hay, D. & Knechel, W. R. (2010). The Effects of Advertising and Solicitation on Audit Fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(1): 60-81.

Hoitash, R., Markelevich, A.J. & Barragato, C. A. (2007). Auditor Fees and Audit Quality. *Managerial Auditing Journal*, 22(8). Available at SSRN: http://ssrn.com/abstract=1025904.

Johnstone, K. M., Bedard, J. C. & Ettredge, M. L. (2004). The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing. *Contemporary Accounting Research*, 21(1): 25–53.

www.SID.ir

Archive of SID

Khodadadi, V. & Hajizadeh, S. (2011). Agency theory and independent audit fee: test of free cash flow hypotheses, *financial accounting science*, 1(2): 76-92. (*in Persian*)

Khodadadi, V., Ghorbani, R. Khansari, N. (2014). Investigating the effect of ownership structure on audit fee. *The Iranian Accounting and Auditing Review,* 21(1): 57-71. (*in Persian*)

Martin, C. (1993). Price adjustment and market structure. *Economics Letters*, 41(1): 39-43.

Menon, K. & Williams, D. D. (2001). Long-term trends in audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20(1): 115-136.

Nikbakht, M. & Tanani, M. (2010). Examination of factors affecting audit fees of financial statements. *Financial accounting research*, 2(4): 111-132. (*in Persian*)

Palmrose, Z.-V. (1989). The Relation of Audit Contract Type to Fees and Hours. *Accounting Review*, 64(3): 488-499.

Rajabi, R., Mohamadi Khashoee, H. (2008). Agency Costs and Audit Pricing. *The Iranian Accounting and Auditing Review,* 53(3): 35-52. (*in Persian*)

Sajadi, S. & Zarei, R. (2006). The effect of audit firm and client characteristics on audit fees, *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 14 (3): 67-90. (*in Persian*)

Senate, U.S. (1977). *Subcommittee on Reports, Accounting and Management of the Commission on Government Operations*. The Accounting Establishment: A Staff Study. Washington DC. Government Printing Office.

Shapiro, C. (1983). Premiums for high quality products as returns to reputations, *Quarterly Journal of Economics*, 98 (4): 659-679.

Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence, *Journal of Accounting Research,* 18 (1): 161-190.

Vaez, S., Ramazan Ahmadi, M. & Rashidi Baqhi, M. (2013). Impact of audit quality on audit fee in listed companies, *financial accounting science*, 3(1): 92-114. (*in Persian*)

Vaus, D. (2002). *Analyzing social science data.* (1st Ed.). London: SAGE Publications Ltd.

XU, X., Wang, X., Han, N. (2013). Accounting Conservatism, Ultimate Ownership and Investment Efficiency, Electronic copy available at: http://ssrn.com/ abstract=2103957.

Zbaracki, M. J., Ritson, M., Levy, D., Dutta, S. & Bergen, M. (2004). Managerial and customer costs of price adjustment: Direct evidence from industrial markets, *Review of Economics and Statistics*, 86 (2): 514-533.

www.SID.ir